بررسی تطبیقی ساختار مناظره و گفت و گوی قهرمانان در شاهنامه فردوسی، ایلیاد و اُدیسه هومر (بر پایه برخی دستاوردهای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی با تکیه بر روش تحلیل‌گفتمان انتقادی)

ایران لک [۱*]، احمد تمیم‌داری [۲]

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. دانش‌آموخته دکترای ادبیات تطبیقی آکادمی ارمنستان

دریافت: ۹۲/٤/۸ پذیرش: ۹۳/۳/۱۷

فصلنامهٔ علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دورهٔ ٤، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۳۳-۱۷۵

چکیده

امروزه و در جهان معاصر به ویژه بعد از پیدایش مکتب ادبیات تطبیقی نگرش تطبیقی به آثار همانند ادبی جهانی با اقبال فراوانی مواجه شده است. تحلیل‌گران انتقادی گفتمان بر آن شده‌اند که متن‌های ادبی، مثل سایر متن‌ها، در خدمت ارتباط است، بنابراین، آن‌ها را نیز می‌توان با نگرش و روش انتقادی تحلیل نمود. سه اثرمورد بررسی، در حول محوریت شخصیت‌های هکتور، اولیس و رستم طرح‌ریزی شده است. این قهرمانان در بستر حماسه، گاه برای دفاع از میهن و گاه برای دفاع از شاه و یا برای طی طریق خود به ایفای نقش قهرمانانه می‌پردازند. آن‌ها در خلال گفت و گوی درونی و بیرونی بیش از هر چیز

*نویسنده مسئول مقاله: Email: iranlak1359@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده مسؤل«تطبیق مقوله کهن الگویی یونگ در شاهنامه، ایلیاد و ادیسه بر پایه دستاوردهای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی» با راهنمایی دکتر احمد تمیم داری می باشد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

دغدغه‌های قهرمانانه را روایت و برجسته می‌کنند و ذهن ما را نسبت به آنچه برای خودشان مهم است، سوق می‌دهند. در این بستر، موقعیت‌هایی قابل ردیابی است و تاثیر و نشانه‌های میهن‌پرستی، دلسوزی و شفقت، اخلاق‌مداری و فضایل انسانی، مرگ با عزت، شجاعت و رشادت، قدرت و سلطه به خصوص در تبیین جایگاه قهرمان در حماسه و نظام معنایی آن مورد تبیین قرار می‌گیرد. هومر و فردوسی با ترکیب‌بندی ابعاد گفتمان‌های مسلط حماسه، در قالب ژانری از پیش موجود، حماسه‌ای نو را باز تولید کرده‌اند. بنابراین، سه اثر حماسی، به منزله رخدادی ارتباطی، فقط بازتابی از اندیشه شاعر نیست، بلکه، با انتقاد از عملکردهای بزدلانه و رواج نگاه‌های قهرمانانه، نظم گفتمانی ویژه‌ای را بازتولید می‌کند.

واژگان کلیدی: **گفت وگو، شاهنامه فردوسی، ایلیاد و اُدیسه هومر، ادبیات تطبیقی مکتب آمریکایی، تحلیل‌گفتمان انتقادی**.

۱. مقدمه

ادبیات جهانی[۱] در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، با خلق و آفرینش آثار برجسته‌ی ادبی از سوی شاعران و نویسندگان توانمند ملل و تمدن‌های گوناگون، مواجه بوده است. در میان انواع شناخته شده ادبی، نوع حماسی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات ملل با سابقه و کهن جهان دارد. در این میان، سه اثر حماسی بی‌مانند، *ایلیاد*[۲] و *اُدیسه*[۳] هومر و *شاهنامه* فردوسی، سه مورد از برترین آثار حماسی جهان به حساب آمده‌اند. البته آثار حماسی دیگری نیز چون حماسه‌های سومری مانند *گیل گمِش* و حماسه‌های هندی مانند، *مهابهاراتا* و *رامایانا* و حماسه‌های رومی مانند، *اِنه‌ئید*[۴] ویرژیل[۵] ، سروده رولان فرانسوی، ترانه آلمانی *نیبلونگن*[۶] و غیره نیز وجود دارند که از حماسه‌های در خور ذکر هستند.

آنچه در این نوشتار مطمح نظر نگارنده است، تنها توجه به یک موضوع کاملاً

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

مغفول مانده از سوی حماسه پژوهان معاصر است و آن موضوع، بررسی تطبیقی اسلوب مناظره و گفت و گوی قهرمانان در ***شاهنامه*** و ***ایلیاد*** و ***اُدیسه*** هومر در هنگامه جنگ و نبرد بر مبنای اصول مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی بر پایه روش تحلیل گفتمان انتقادی است. بر این اساس، با توجه به نظریه تحلیل گفتمان و با تکیه برروش نورمن فرکلاف[٧] به تحلیل گفتمان انتقادی این پژوهش می‌پردازیم.

اصطلاح تحلیل گفتمان[٨] ابتدا، «در زبانشناسی ساختگرای آمریکا توسط زلیگ هریس[٩] مطرح شد و منظور او از تحلیل گفتمان، تحلیل ساختاری بالاتر از سطح جمله بود، اما نادیده‌انگاشتن بافت کاربرد زبان و توجه صرف به ساختارها بدون توجه به مسائل محیطی موثر برکاربرد زبان هنگام تحلیل ساختاری، منجر به پنهان ماندن بخش‌های قابل توجهی از جنبه‌های ارتباطی و معنایی کاربرد زبان گردید. از این رو، عده ای از زبانشناسان که در چارچوب زبان شناسی نقش گرا کار می‌کنند، سعی می-کردند با توجه نمودن به بافت،تحلیل جامع تری ارائه دهند (سلطانی، ١٣٨٤: ٥١)

ابعاد نظری این پژوهش، مبتنی بر نظریه تحلیل گفتمان انتقادی[١٠] فرکلاف است که با توجه به متغیرهای حماسه به تحلیل گفتگوهای قهرمانان در آثار مذکور می‌پردازد. «این روش، در شناخت فرهنگ، کشف خود و ملیت اثر، و شناساندن نوع نگاه هر نویسنده و جنبه‌های ایدئولوژی در آثار ادبی، روشی کارآمد است. (آقا گل زاده، ١٣٨٥: ١٢٠) از این رو، وظیفه تحلیل‌گر زبان‌شناسی انتقادی این است که به کمک فنون موجود در این رویکرد، پرده از صورت ظاهر متن بردارد و آنچه در لایه‌های زیرین زبان لانه گرفته و مخفی مانده، آشکار کند و آنچه طبیعی جلوه داده شده طبیعی‌زدایی نماید تا مردم با درک حقایق، در زندگی و در رقم زدن سرنوشت خویش، آگاهانه تصمیم‌گیری کنند.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

۲. بیان مسئله

ادبیات تـطبیقی «از نیمه دوم قرن نوزدهم در فرانسه با سـخنرانی‌ها و نوشته‌های پژوهشگران فرانسوی، مانند آبل فرانسوا ویلمن و ژان ژاک آمپر آغاز شـد" (یوست، ۱۳۸٦: ۳۷). فرانسوا یوست (۱۹۱۸-۲۰۰۱) ،او را پدر ادبیات تطبیقی امریکا می‌دانند، درباره این مکتب گوید: «درمکتب امریکایی تطبیق آنچه بیش از پیش اهمیت یافته است این مسئله است که ادبیات تطبیقی در عرصه پژوهش به دور خـود نتنیده و خود را محدود نـساخته اسـت. ماهیت ادبیات تطبیقی، بین‌رشته‌ای، بـین المـللی و بین‌فرهنگی و در یک‌کلام پلورالیستی است. با چنین پیشینه تاریخی است که می‌توان ادبیات تطبیقی را پایه‌گذار مـطالعات فرهنگی در دوران معاصر محسوب کرد. ادبیات تـطبیقی بـیش از ادبـیّات ملی قادر اسـت خـود را با نظریه‌های جدید نـقد ادبـی همراه کند. ادبیات جهان نیز رابطه تنگاتنگی با ادبـیات تـطبیقی دارد و درواقع، مواد خام مطالعات پژوهشگر ادبـیات تـطبیقی را تشکیل مـی‌دهد" (یوسـت،۱۳۸۷: ۳۳). ویژگی خـاص مـکتب امریکایی ادبیات تطبیقی ماهیت بین رشته‌ای آن است که به گمان بـسیاری از انـدیشمندان سرآغاز رشته جدیدی به نام مطالعات فرهنگی شد که امروزه دارای اهمیت و جایگاه خاصی در پژوهش‌های علوم انـسانی اسـت،«اشتراک زمینه‌های پژوهشی بین ادبیات تطبیقی نـو بـا مـطالعات فرهنگی این نوید را می‌دهد که نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر این دو رشته، مقدمات ارتقای جایگاه علوم انـسانی را در جـامعۀمدرن فراهم آورد." (یوست، ۱۳۸٦: ۳۹) این نحله فکری با گـذار از روابـط تـاریخی وارد عرصه پویایی شد که نه‌تنها از مرزهای ساختگی سیاسی، ملی، زبانی و جغرافیایی فراتر می‌رفت، بلکه ادبیات را در ارتباط تنگاتنگ با سایر رشته‌های علوم انسانی و هنرهای زیبا، مانند تـاریخ، فلسفه، ادیان، روان‌شناسی،جامعه‌شناسی،

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

نقاشی، موسیقی و سـایر هنرها می‌دید." (یوست، ١٣٨٦: ٣٨).از نـظر ولک، بـعد ادبی، زیبایی‌شناسی و هنری باید در کانون توجه این رشته باشد. وی ادبیات تطبیقی را نظریه‌ای جدید در ادبیات می‌داند. «در مکتب امریکایی،حیطه ارتباطات و تأثیرات ادبی، یکی از زمینه‌های عمده پژوهشی در ادبیات است» (ولک،١٣٧٣: ٢٢٣). بنابراین، مکتب تطبیقی آمریکا که در نیمه دوم سده بیستم سر برکشیده بود، زیبایی شناسی و توجه به نقد و تحلیل را در راس کار تطبیقگر قرار می‌دهد، بنابراین گستره ادبیات تطبیقی در میان دو یا چند ملیت مختلف و در پردازش‌های هنری روی می‌دهد .مهمترین اصول حاکم بر این مکتب عبارتند از:

- شرط تفاوت زبان و شرط ارتباط تاریخی بین دو ادبیات مورد تطبیـق و یـا دو اثـر ادبی مورد تطبیق یک شرط ضروری و لازم نیست.
- بررسی میان دو ادبیات و یا بررسی میان یک اثر ادبی با اثر ادبی دیگر از جهـات و ابعاد گوناگون امکان پذیر است، بدون آنکـه میـان دو ادبیـات و یـا دو اثـر رابطـه تاریخی و فرهنگی باشد و حتی بدون آنکه زبان آنها متفاوت باشد.

در پژوهش حاضر قصد آن داریم تا دو رشته زبانشناسی و ادبیات را با یکدیگر تطبیق داده ضمن اینکه آثار انتخاب شده نیز از دو فرهنگ مختلف است، بنابراین مقاله حاضر اگر به درستی پیش برود، پوشاننده مکتب امریکایی به طور کامل است. مطالعات میان رشته‌ای بی‌شک در محک‌زدن و غنای عرصه‌های ادبیات تطبیقی نقش تعیین‌کننده دارد. گفتگوهای قهرمانان در واقع، بافت موقعیتی است که زبان در آن رخ می‌دهد. مطالعه گفتمان گفتگوها هر چند که بی‌سابقه نیست، ولی جای کار بسیار دارد و می‌تواند موضوعی مناسب و بدیع در مطالعات زبانشناسی و ادبیات تطبیقی محسوب گردد. نقد گفتگوهای قهرمانان حماسه‌های مذکور، تاکنون از دید تحلیل گفتمان انتقادی صورت نگرفته است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

نگارنده سعی دارد با ارائه چارچوبی آشکار و روشن، جهان‌بینی نویسندگان را مورد بررسی قرار دهد. اهداف پژوهش از این قرار است.

۱. آیا شخصیت‌های اصلی تصویری از خویشتن بازنمایی می‌کنند؟

۲. آیا شخصیت‌های اصلی دنیای اطراف خود را بازنمایی می‌کنند؟

۳. چه شناختی در مورد نوع گفتمان غالب در هر سه اثر می‌توان ترسیم نمود؟

۳. روش و پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس روش کیفی با رویکرد توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف نوشته شده و مسئله اصلی آن، بررسی گفتمان قهرمانانه در بستر حماسه به عنوان گفتمان غالب است .گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است، این داده‌ها مربوط به سه حماسه مذکور است. تعدادی بند ،سه بند، از هر سه اثر انتخاب گردیده و به عنوان پیکره متنی طبقه بندی شده‌است. و زبان انتقادی نویسندگان در نشانه‌های غیر کلامی و رمزگانی با تحلیل و تفسیر بیان خواهد شد. شیوه تفسیر آن‌ها بر اساس ده سوال بخش توصیف نظریه فرکلاف خواهد بود. به این ترتیب، هر یک از ده سوال به طور جداگانه در هر یک از بندها مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و بدین ترتیب دو رویه دیگر روش فرکلاف در تفسیرو تبیین انجام خواهد گرفت.

این پژوهش با عنوان « بررسی تطبیقی اسلوب مناظره و گفت و گوی قهرمانان صحنه‌های نبرد در *شاهنامه* و *ایلیاد* و *اُدیسه*، بر مبنای اصول مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی با توجه به نظریه تحلیل گفتمان انتقادی بر مبنای روش فرکلاف در نوع خود اولین است. پژوهشی که امید است برگ جدید و مفیدی در دفتر تحقیقات مرتبط با

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

متون ادب حماسی در سطح جهانی و از منظر ادبیات تطبیقی به حساب آید، اما وقتی بحث از مطلق مقولاتی چون، مناظره، گفت و گو و یا مکالمه و مواردی از این قبیل مطرح می‌گردد، بی‌تردید کم و بیش تحقیقاتی در سطح ادبیات ملی و نه در سطح ادبیات تطبیقی و نه از منظر نقد ادبی، صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. پایان‌نامه‌ای با عنوان «*تأملی بر فن مناظره و سیر آن در گستره ادب فارسی*». این پایان‌نامه جنبه عمومی دارد و مورد پژوهانه نیست. پایان‌نامه یاد شده در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد سبزوار در سال ۱۳۸۱ توسط علی سروری سلطانی تحریر و دفاع گردیده است.

۲. کتابی با عنوان *گفت و گو در شعر فارسی* حالت و شکل گردآوری دارد و توسط احمد کرمی در تهران به سال ۱۳٦۲ منتشر گردیده است.

۳. مقاله‌ای با عنوان «*جایگاه فن مناظره در شاهنامه فردوسی*» نوشته غلامعلی فلاح قهرودی تحریر گردیده، این مقاله در مجله پژوهش‌های ادب عرفانی، دانشگاه تربیت معلم، دوره دوم، شماره یک، در بهار سال ۱۳۸۷ منتشر گردیده است.

۴. مبانی نظری

۴-۱-گفتمان

خاستگاه این مفهوم در «چرخش استعلایی فلسفه جدید» است. مفهوم گفتمان در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان گرفته تا فلسفه و سیاست، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر، تا اندازه‌ای موجب ابهام معنایی این واژه شده است. باید به این نکته نیز توجه نمود که :«گفتمان‌ها به نوعی ریشه در فرایندهای اجتماعی دارند، و بین

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

انواع پیوندهایی که به گفتمان تعلق دارند و سایر پیوندهای غیرگفتمانی، که واقعی یا مقدماتی اند، تمایز دقیقی ایجاد می‌کند." (مک‌دانل[11]، ۱۳۸۰: ۱۷۷) ریشه مفهوم «*Discourse*» را می‌توان «در فعل یونانی به معنی حرکت سریع در جهات مختلف یافت. گرچه این مفهوم به معنی تجلی زبان در گفتار و یا نوشتار به کار برده می‌شود، ولی همانطور که از ریشه‌آن پیداست، در علم بیان کلاسیک، به زبان به عنوان حرکت و عمل تاکید می‌شده است. به عبارت دیگر، کلمات و مفاهیم، که اجزای تشکیل دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نبوده، و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، ارتباطات آن‌ها دگرگون شده و معانی متفاوتی را القا می‌کنند. دگرگونی این ارتباطات، خود زاده دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره است، و چون این شرایط پایدار و ثابت نیستند، ساختار زبان نیز که توضیح دهنده‌ی شرایط زیر است، نمی تواند ثابت باشد." (عضدانلو، ۱۳۸۰: ١٦)

۴-۲-تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی سطح متن مورد مطالعه قرار می‌دهد. «صاحب‌نظران این رهیافت در حوزه نقد ادبی برآنند که در تحلیل متن‌های ادبی افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش دارند، بنابراین، در تحلیل متن ،به بافت موقعیتی، توجه داریم." (فرکلاف،۱۳۷۹: ۸)

۴-۳-تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی نو از تحلیل گفتمان است و امروزه شاخه مهم آن به شمار می‌رود. این شیوه از تحلیل، ضرورت به کارگیری رویکردهای جامع‌تر تحلیل

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

گفتمان را بیان می‌کند. «تولید یا تقویت یک ایدئولوژی خاص و نگرش به سطوح بالاتر جمله از جالب‌ترین موضوعات تحلیل گفتمان انتقادی است و نگاهی علمی و کاربردی به متون دارد. این شیوه از تحلیل از رویکردهای نقد ادبی چون ساختارگرایی، فرمالیسم، هرمنوتیک نشأت می‌گیرد، اما بر خلاف رویکردهای یادشده، بر هر دو جنبه صورت و معنای متن توجه دارد و از این‌رو، رویکردی جامع در تحلیل متن است.(پنی‌کوک،۱۳۷۸: ۱۳۲)

۴-۴-روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان در زبانشناسی متوقف نماند. «در مدت نسبتا کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، و دیگر متفکران برجسته مغرب زمین وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.این متفکران که تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل گفتمان انتقادی بسط و گسترش دادند. (فرکلاف،۱۹۹۵: ۷)

۴-۵-روش نورمن فرکلاف

تحلیل گفتمان انتقادی بیشتر در اشاره به رهیافت فرکلاف به کار می‌رود، زیرا که رهیافت وی در مقایسه با رهیافت‌های دیگر، مدون‌ترین نظریه و روش را برای تحقیق در حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه فراهم می‌کند. فرکلاف مفاهیم لازم برای تحلیل گفتمان انتقادی را «در مدلی سه بعدی به هم مرتبط می‌کند. از نظر وی، هر تحلیل از رخدادی ارتباطی، این سه بعد را باید مورد توجه قرار دهد. که عبارتند از ویژگی‌های متنی، فرایندهای مرتبط با تولید و مصرف متن(رویه گفتمانی) و رویه گسترده‌تری که

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

رخداد اجتماعی مورد بررسی به آن تعلق دارد ، یعنی رویه اجتماعی" (فرکلاف،۱۳۷۹: ۱۲۳) وی متون را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

۴-۵-۱-توصیف

مرحله‌ای است که به ویژگی‌های صوری متن با توجه به جنبه مورد بررسی (مضامین، روابط، فاعلان) پرداخته می‌شود. در توصیف که متن جدای از سایر متن‌ها، زمینه و وضعیت اجتماعی بررسی شود به ویژگی‌های صوری یک متن توجه می‌شود. این خصایص صوری می‌تواند انتخاب‌هایی خاص از گزینه‌های مربوط واژگان و دستور موجود تلقی شوند، که در متن از آن‌ها استفاده می‌شود. به منظور تفسیر ویژگی هایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولاً توجه به دیگر انتخاب‌های ممکن نیز ضروری است.این تحلیل یک تحلیل انتزاعی متن است. فرکلاف تحلیل انتزاعی متن را در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن مورد بررسی قرار می‌دهد:

او درباره واژگان این سوالات را بررسی می‌کند:

۱. کلمات واجد کدام ارزش تجربی هستند؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد.

۲. کلمات واجد کدام ارزش بیانی‌اند؟

۳. در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷٦-۱۷۷)

۴-۵-۲تفسیر زمینه متن: تفسیر متن

بررسی ساختار زبان‌شناختی تفسیر متن و تفسیر زمینه متن «ترکیبی از محتویات متن و ذهن(دانش زمینه ای)مفسر است که در تفسیر متن به کار می‌بندد. همچنین

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

ویژگی‌های صوری متن از نظر مفسر به منزله سرنخ‌هایی است که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد و تفسیر، محصول ارتباط متقابل میان سرنخ‌ها و دانش زمینه ذهن مفسر است. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵) واژه‌ها نیز در حکم نشانه ایدئولوژیک، با انبوهی از تارو پودهای اعتقادی و ارزش‌های جمعی در هم تنیده شده دارای شناسنامه‌ای ایدئولوژیک هستند، یعنی متعلق به یک بافت و یا رمزگان جمعی و حاصل توافق میان اعضای گروهند که معتقد به یک نظام ایدئولوژیکی است و در نظر اغلب افراد گروه، مفهومی مشترک و تعیین‌کننده دارد.

۴-۵-۳-تبیین

در مرحله تبیین، محقق به تحلیل متن به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت می‌پردازد، به نوعی با بهره گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای به عنوان شیوه‌های تفسیری، در تولید و تفسیر متون، دانش تولید شده، بازتولید خواهد شد. (فرکلاف،۱۳۷۹: ۲٤٥)

۴-۶-مناظره، گفت و گو

گروهی میان مناظره و گفت و گو قائل به تفاوت‌هایی شده‌اند. به عنوان مثال عده‌ای مناظره را نوعی گفت و گو میان دو یا چند طرف دانسته و هدف از آن را برد و باخت دانسته‌اند، اما مکالمه و گفت و گو را صحبت اطراف موضوع یا موضوع‌های مورد بحث به منظور دست‌یابی به هدف واحد و یا حداقل پیشبرد اهداف مورد بحث دانسته‌اند (بوهم، ۱۳۸۱، ۳۲). مناظره و یا گفت و گو در مفهوم وسیع‌تر خود به گونه‌ای جدل تبدیل می‌گردد و مناظره‌ها در اغلب موارد، در اساس و بنیان خود، از نوع ادب حماسی به شمار می‌آیند (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۹۲). اسلوب مناظره و گفت و گو،

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

در ادبیات جهانی و انواع مشهور ادبی و در آثار برجسته ادب جهانی، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. فن مناظره و اسلوب‌های مربوط به آن و مباحثی از قبیل گفت و گو از لحاظ سابقه در متون ادبی و فرهنگی به یونان و مغرب زمین برمی‌گردد.

مناظره و گفت و گو در ادبیات ایران باستان نیز کم و بیش، در اشکال ابتدائی خود وجود داشته است. به عنوان مثال «مناظره میان «بُز و نخل» در مجموعه موسوم به *درخت آسوریک* که یک مناظره و گفت و گوی مفاخره آمیز است یکی از این نمونه‌ها در ادبیات ایران باستان است» (روح‌الامینی، ١٣٧٦، ٣٦). هم چنین رساله‌هایی تحت عنوان *شایست و ناشایست* از زبان پهلوی به دست ما رسیده که درباره زردشت مناظره می‌کنند. گفتگو و مناظره منسوب به هفت تن از بزرگان ایران بعد از قتل بردیای دروغین برای تعیین پادشاه ایران از دیگر مناظراتی است که در ایران باستان صورت گرفته و نتیجه آن تعیین داریوش به عنوان پادشاه ایران بوده است و این مطلبی است که هرودوت مورخ یونانی به آن اشاره کرده است (هرودوت، ١٣٥٦: ج ٣/ ١٣٤). مناظره‌های «مانی و موبد» و «موبد و مزدک» و مناظره «مزدک با قباد» نیز از مناظره‌های مشهور در دوران ایران باستان به حساب می‌آیند (بویس، ١٣٨٦: ٦٤).

مناظره و گفت و گو در ادبیات ایران بعد از اسلام همچنان با فراز و نشیب‌هایی ادامه می‌یابد و احتمالاً با ترجمه آثار یونانی در دوره عباسی و سامانی آشنایی ایرانیان با آثار ادبی یونان و روم را بیشتر نمود. و باعث گردیده تا آن‌ها نیز به اسلوب مناظره و گفت و گو در آثار خود اهمیت و جایگاه بیشتری بدهند و شاید بتوان گفت تألیف کتابهائی با عنوان *المحاسن* در ایران بعد از اسلام محول به همین آشنائی باشد.» (غنیمی هلال، ١٣٧٤: ٣٤٥). در ایران بعد از اسلام، می‌توانیم به «مناظره‌ها و گفت و گوهای پنج گانه ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی، سراینده

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

گرشاسبنامه، شامل مناظره «عرب و عجم»، «آسمان و زمین»، «شب و روز»، «مغ و مسلمان»، و «نیزه و کمان» اشاره کنیم» (رزمجو، ١٣٩٠، ١٣٢). در آثار نظامی گنجوی، سعدی شیرازی، مولوی، خواجوی کرمانی، پروین اعتصامی، ملک العشرای بهار و شفیعی کدکنی نیز اسلوب گفت و گو و فن مناظره قابل ملاحظه است.

مناظره و گفت و گو در متون حماسی جایگاه ویژه‌ای دارد، چون اصولاً خاصیت و ساختار متون حماسی به گونه‌ای است که گفت و گو و مناظره در آنها نقش مهمی ایفا می‌کند. گفت و گوی قهرمانان در هنگام نبرد و صحنه‌های جنگ از مهمترین بخش مناظره‌ها و گفت و گوهای متون فاخر حماسی به شمار می‌آیند.

۴-۷-قهرمان[۱۲]

قهرمان که آن را شخصیت اصلی یا «Protagonist» نیز گفته‌اند، در اثر ادبی به فردی گفته می‌شود، که در کانون توجه ما قرار می‌گیرد." (آبرامز[۱۳]، ۱۹۷۱: ۱۲۸). قهرمانان با صفات برجسته و والای اخلاقی و با خصوصیّات تحسین برانگیز جسمی مشخص می‌شوند." (میرصادقی،۱۳۷۷: ۲۱۷). «در تراژدی در مجموع قهرمان، انسانی بهتر و برتر از انسان عادی است" (داد، ۱۳۷۱: ٢٤٠).

کادن[١٤] در تعریف قهرمان گفته است:«قهرمان درادبیّات کلاسیک به صورت فردی تعریف شده است : قوی، بی‌پروا و قادر به انجام اعمال ماجراجویانه و مختصّ قهرمان" (کادن، ۱۳۸۰: ٤٦).

در این پژوهش به پاره‌ای از گفتگوهای میان قهرمان نامدار حماسه‌های ایلیاد، ادیسه و شاهنامه، «هکتور»، «اولیس» و رستم می‌پردازیم.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

۴-۸-حماسه

با توجه به «معانی لغوی و اصطلاحی که شامل دلاوری، شجاعت، رجز و نوعی شعر است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌ها سخن می‌رود" (رزمجو، ۱۳٦۱: ٦۱۵). خالقی مطلق گوید:«حماسه واژه ای عربی ا ز مصدر حمس (به زیر یکم و دوم) به معنی شدّت و حدّت در کار است و حَماسَه یعنی «دلیری و دلاوری" (خالقی‌مطلق، ۱۳۸٦: ۵). به تعبیر ارسطو، «نوعی تقلید و محاکات است به وسیله وزن که از احوال و اطوار مردان بزرگ و جدّی به عمل می‌آید» (ارسطو، ۱۳۵۲: ۱۰۲). چنین استباط می‌شود که مضامین حماسی به صورت داستان‌هایی توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات و کارهای شگفت‌انگیز روایت می‌گردد.

۴-۸-۱-مهم‌ترین ویژگی‌های حماسه عبارتند از:

«روایی بودن و داستان‌وارگی، دخالت نیروهای ماوراءطبیعی در آن‌ها، نقش اساسی و محوری قهرمان و ابرمرد، وجود ضد قهرمان، جاودانگی‌خواهی، توازن بین جبهه قهرمان و ضدقهرمان از جهات مختلف، اعم از نیروهای مافوق طبیعی، ساز و برگ و توش و توان و تجربه در هر دو جبهه، آرمان‌خواهی و اعتلاجویی، فضاسازی در نبردها و توصیف‌های پرشور، ساختار حماسی، ذکر ابزارها و آلات و اصطلاحات جنگی، عنصر جدال، وجود گره (مشکل عظیم و سرنوشت‌ساز) و کوشش قهرمان برای گشودن آن، عمرهای طولانی پهلوانان و بعضا پادشاهان، سفر، خواب و رویا و حوادث مرتبط با تعبیر رویاها، لحن مطنطن و پرطمطراق، شخصیت‌پردازی مناسب، اغراق و مبالغه، ساختار طولانی و بسط‌یافته، خلق صورخیال از عناصر طبیعی، و جز آن." (کزازی،۱۳۷٦: ٤۲-۵۲) از دیگر ویژگی‌های حماسه آن است که: «حماسه بیطرفانه است و ادعای حقیقت دارد." (خالقی‌مطلق، ۱۳۸٦: ۲۹)، «رویداد مرکز اصلی

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

حماسه است که در آن انسان برای رسیدن به ایده ال خود جانبازی می‌کند. مهم‌ترین موضوع رویدادها نبرد و جنگ است، اما همین نبرد می‌تواند انسان باشد یا طبیعت." (همان:۳۹)در حماسه همه کوشش پهلوان «در پی نام‌آوری و دفاع از حیثیت است." (همان:۳۹)

۵. بحث اصلی

۵-۱-تحلیل داده‌ها بر اساس ده پرسش فرکلاف

۵-۱-۱-حماسه ایلیاد

بند شماره (۱)

اما هکتور چون برادر ،پاریس، را دید وی را بدین‌گونه سرزنش کرد:

«ای پاریس تیره‌بخت! ای که زیباییت تنها، مایه سرفرازی تست،ای دلاور زن خوی، ای دلفریب تن‌پرور، کاش هرگز، چشم به جهان نمی‌گشودی، یا مرده بودی بی‌آنکه پیمان زناشویی ببندی، این سرنوشت بهتر از ین ننگی بود که امروز در پیش چشم مردم تروا به بار آوردی و ایشان را چنین سرشکسته کردی! چرا از سرزمینی دوردست زنی را که به زیبایی نامبردار و با جنگاوران هراس‌انگیز همداستانست با خود آوردی؟ این کا رتو پدرت و مردم این شهر و همه این مردم را رسوا و بدنام می‌کند، سرانجام خواهی دانست جنگجویی که به ناروا همسرش را ربوده‌ای کیست. آنگاه که آن دلاور پیروزمند ترا به خاک تیره افگند نه چنگی که میزنی ترا یاری خواهد کرد، نه آن دهش‌هایی که زنوس به تو ارزانی داشته ترا سودمند خواهد بود.» (هومر، ۱۳۸۷: سروده سوم/۱۲۳)

۱-ای پاریس ۲- ای که زیباییت تنها، مایه سرفرازی تست ۳- ای دلاور زن‌خوی ٤-

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

ای دلفریب تن‌پرور ٥- هرگز، چشم به جهان نمی‌گشودی ٦- یا مرده بودی بی‌آنکه پیمان زناشویی ببندی ٧- این سرنوشت بهتر از ین ننگی بود /که امروز در پیش چشم مردم تروا به بار آوردی ٨- و ایشان را چنین سرشکسته کردی ٩- چرا از سرزمینی دوردست زنی را که به زیبایی نامبردار و با جنگاوران هراس‌انگیز همداستانست /با خود آوردی ؟ ١٠- این کا رتو پدرت و مردم این شهر و همه این مردم را رسوا و بدنام می‌کند ١١- سرانجام خواهی دانست/ جنگجویی که به ناروا همسرش را ربوده‌ای کیست. ١٢- آنگاه که آن دلاور پیروزمند ترا به خاک تیره افگند ١٣- نه چنگی که میزنی ترا یاری خواهد کرد، ١٤-نه آن دهش‌هایی که زنوس به تو ارزانی داشته ترا سودمند خواهد بود.

پرسش ١: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

زیبایی، چنگ، داده زئوس، دلفریب، زن‌خوی تن‌پرور، پیمان زناشویی، ننگ، سرشکسته‌گی، ربودن همسر، واژه هایی هستند که بیانگر آنست که رامشگری و زن خواهی و زن دوستی با رزم در تقابل است. واژگان فوق، ویژه بزم است و با رزم که بنیان حماسه است در تقابلی اشکار از این رو، پاریس ننگ ترواییان است. قید تنها در جمله دو نشان از آن دارد که پاریس فقط بهره از زیبایی برده است و تهی از فضایل اخلاقی است.زئوس نشان از تعدد خدایان یونان است.

پرسش٢-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن دراین متن، بر اساس گزارش قهرمان است .سبک گفتار شکایت‌آمیز، و تحقیرآمیز است . هکتور پاریس را به دلیل ویژگی‌های غیر اخلاقی و انجام کارهای ناشایست ملامت می‌کند. دلاور و زن‌خویی تناقض است که در پاریس جمع است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

چشم به جهان نگشودن کنایه از عدم و نبودن. سرشکسته کردن کنایه از بی‌آبرو کردن، خاک افکندن: کنایه از شکست دادن.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

این بند استعاره مشخص و برجسته ای ندارد.

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی است؟

۷جمله (٦/٥/٤/٣/٢/١) در وجه انشایی و ۷ جمله (١٤/١٣/١٢/١١/١٠/٩/٧) در وجه خبری است که قهرمان بر اساس جملات اخباری اطلاعاتی را به خواننده می‌دهد و بر اساس جملات انشایی عواطف خود را نسبت به مخاطب (پاریس) بیان می‌کند.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

جملات به طور مساوی بین وجوه خبری و انشایی تقسیم شده است و گزارش قهرمان از شخصیتی است که به صورت بیان عواطف و بیان خبر به خواننده اطلاع می‌دهد.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

عباراتی که وجه خبری دارند، اطلاعاتی به مخاطب می‌دهند. جملات انشایی برای تسکین خشم گوینده / قهرمان بیان می‌شود .(قهرمان نمی تواند در برابر خطای برادر کاری کند و راهکاری بیندیشد این مسئله در مورد رستم برعکس است. او به چاره جویی در برابر شغاد می‌پردازد که در پی خواهد آمد.)

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

از طریق روابط معنوی و نیز پایان‌یافتن آهنگ میان جمله‌های ساده پیوند و اتصال ایجاد شده است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

نظام نوبت گیری در دست راوی/ گوینده است ، او کنترل موضوع را به دست گرفته و با قدرت، صلابت صحبت می‌کند.

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به کلیت ماجرایی که به گوش قهرمان رسیده است. برادر او کار ناشایستی کرده است که زمینه را برای جنگ‌ها ممهد می‌سازد.

بند شماره (۲)

هکتور گفت:«ای مردم بخشنده تروا، ای هم پیوندانی که از کرانه‌های دوردست آمده اید، ای دوستان، هنگامی که من می‌روم به پیران آزموده و همسرانمان فرمان دهم که از خدایان خواستار شوند و صد قربانی برای ایشان بکنند، شما هم دلیر باشید و همه دلاوری خود را به کار برید. " (همان، سروده ششم/۲۱۸)

۱-ای مردم بخشنده تروا ۲- ای هم‌پیوندانی که از کرانه‌های دوردست آمده‌اید ۳- ای دوستان ٤- هنگامی که من می‌روم / به پیران آزموده و همسرانمان فرمان دهم ٥-از خدایان خواستار شوند ٦-صد قربانی برای ایشان بکنند ۷- شما هم دلیر باشد ۸- همه دلاوری خود را به کار برید.

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی است؟

بخشنده، دوستان، هم پیوندان، پیران آزموده، خدایان، واژگانی‌اند که دایره آشنایان و مخاطبان قهرمان را رقم می‌زند. اعتقاد به خدایان از خصایص قهرمانان است. قربانی اداب و رسوم خاص عبادی یونانیان محسوب می‌گردد. فرمان دادن قهرمان به همسران و پیران آزموده و در نهایت به مخاطب خود نشان از استیلای قهرمان دارد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن در این متن، بر اساس خطابه قهرمان است .سبک گفتار مهربانانه، ترغیب‌کننده و امیدوارکننده است.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

هنرهای بیانی برجسته‌ای در این بند به کار نرفته است.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

استعاره برجسته‌ای در این بند دیده نمی‌شود.

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی است؟

این بند شامل چندین جمله است. جملات بیشتر ساده و تنها یک جمله مرکب است. با این حساب، در می‌یابیم که نویسنده با استفاده از جملات کوتاه و ضربی قصد داشته است مخاطب را ترغیب و امیدوار کند.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

در بند بالا، همه جملات (۸جمله) در وجه غیرخبری (عاطفی) است، غیر از جمله ٤و٥و٦ وعواطف و احساسات قهرمان و نیز، امیداری او را نشان می‌دهد.که سعی می‌کند آن را در میان زیردستان نیز گسترش دهد.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

جملات امری تفوق قهرمان و جملات ندایی خطاب قهرمان که آن هم نشان از تفوق، سخنوری و دانایی او است.

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

از طریق آهنگ و نیز قراین معنایی. (جملات مرکب با علامت / مشخص شده اند.)

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

دعا، قربانی، خدایان نشان از دینداری و اعتقادمندی قهرمان دارد. خدایان تعدد خدایان را نشان می‌دهد. هم پیوندان بعد سیاسی اندیشه قهرمان را رقم می‌زند

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

در این بند، تنگنای مشکلاتی را نشان می‌دهد که میهن‌پرستی قهرمان او را وا می‌دارد تا از نهایت امکانات برای پیروزی بهره‌مند گردد.

بند شماره (۳)

«هکتور چشمان بی‌فروغ خود را به سوی وی ـ آخیلوس ـ بلند نمود و گفت: «ترا سوگندی دهم به جان خودت، به زانوهایت، و به کسانی که تو را به جهان آورده‌اند، رفتاری نامردمی را نزدیک کشتی‌های آخائی (یونانی) با من نداشته باش (هومر، ۱۳۷۸: ٦٦٦).

۱-ترا سوگندی به جان خودت دهم/به زانوهایت / به کسانی که تو را به جهان آورده اند / رفتاری نامردمی را نزدیک کشتی‌های آخائی (یونانی) با من نداشته باش.

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

سوگند دادن، زانو، رفتار نامردمی واژگانی با ارزش‌های انتزاعی در این متن اند که بیانگر نوعی خواهش و التماس، طلب ترحم قهرمان است.

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن دراین متن، بر اساس گزارش قهرمان است .سبک گفتار متضرعانه است.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

به جهان آوردن: کنایه از به دنیا آوردن است. واقعه کشتی‌های آخایی تلمیحی است که به بیان کنایی به شخصیت مخالف طعنه و تعریض جنایتکاری می‌زند.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

زانو: استعاره از حرکت و سرافرازی.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

بند فوق شامل یک جمله مرکب است.که سه جمله اول، از لحاظ معنایی ناقص و برای معنای سوگند را تمهید می‌کند و جمله آخر مفاد سوگند را بیان می‌کند.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

جمله این بند عاطفی و اقناعی و انشایی بیان شده است. در آن گزارشی به خواننده از وضعیت خود می‌دهد.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

جمله انشایی برای بیان کمک و نیاز قهرمان به کار رفته است.

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

از طریق پایان‌یافتن آهنگ میان جمله‌های ساده و روابط معنایی پیوند و اتصال ایجاد شده است.

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

نظام نوبت گیری در دست راوی/ گوینده است، او کنترل موضوع را به دست گرفته و با زاری و تضرع صحبت می‌کند. هر چند قهرمان با پیش کشیدن واقعه کشتی‌های آخایی به نوعی حقارت دشمن را نشانه گرفته است.

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به کلیت ماجرایی که تراژدی مرگ قهرمان را رقم می‌زند. تقابل شخصیت‌ها و روشنگری قهرمان در این بند آشکار است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

۵-۱-۲-ادیسه

بند شماره (۱)

اولیس که هزاران چاره‌گری می‌دانست به او پاسخ داد:

«ای الهه توانا، بر من خشم مورز. بسیارخوب می‌دانم که اگر کسی پنلوپ فرزانه را ببیند. نه در زیبایی و نه در قامت با تو برابر نیست، وی از آدمی‌زادگانست، تو نه مرگ را در می‌یابی .و نه پیری را. با این همه هر روز می‌خواهم و ارزو دارم به خانه خود بازگردم و روز بازگشت را ببینم. اگر خدایی کشتی مرا در دریای میگون غرق کند، من بدان تن درخواهم داد، من دلی پرتاب در سینه دارم: تاکنون آن همه در روی خیزابه‌ها و در جنگ درد کشیده رنج برده‌ام! چه باک که این نیز پیش آید!" (هومر، ۱۳۷۸: سروده پنجم/۱۱٦)

۱-ای الهه! ۲- بر من خشم مورز ۳-بسیار خوب می‌دانم / اگر کسی پنلوپ فرزانه را ببیند نه در زیبایی و نه در قامت با تو برابر نیست ٤-هر روز می‌خواهم ٥- ارزو دارم / به خانه خود برگردم٦- روز بازگشت را ببینم ۷- اگر خدایی کشتی مرا در دریای میگون غرق کند /من بدان تن در خواهم داد ۸-من دلی پرتاب در سینه دارم /۹- تاکنون آن همه در روی خیزابه‌ها و در جنگ درد کشیده و رنج برده ام /۱۰- چه باک / که این نیز پیش آید.

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

الهه، خشم‌نورزیدن، دانستن، برابر نیست، خواستن و آرزو داشتن، خانه و روز بازگشت،کشتی و دریا و غرق، تاب آوردن، درد و رنج کشیدن نشان از تجربه‌های نستوه و شکیبایانه قهرمان در برابر سختی‌ها دارد. آنچه از این بند مشخص است این است که قهرمان در حال مجاب کردن الهه است تا به سوی خانه خویش بازگردد. هم‌صحبت شدن با الهه‌ها و دیوان از خصایص حماسه است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

لحن و سیاق سخن اندکی از زبان قهرمانانه بدور است ؛هر چند، تفاخر در آن دیده می‌شود، ولی قهرمان لحن سخن خود را نرم و ملایم نموده است.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

جملات ۷ و ۸ کنایه از تحمل و ایستادگی قهرمان در برابر مشکلات است.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

از استعاره خاصی بهره گرفته نشده است.

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

٤ جمله (١٠/٧/٢/١)در وجه انشایی اند و باقی جملات(٩/٨/٦/٥/٤/٣)در وجه خبری است ، جمله ٤و ٥ تاکیدی است.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

جملات خبری اطلاعات و خبرهای قابل توجهی را رد و بدل نمی‌کنند، بیشتر، یک معنا با واژگان مختلف بیان می‌شود.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

به‌کارگیری وجه خبری حاکی از اطمینان و قطعیت قهرمان از تصمیمی که گرفته است دارد و در وجه انشایی آنچه به عنوان معنای برجسته مستفاد می‌گردد، به نوعی یاری طلبی قهرمان و مجاب کردن او، الهه راست تا بتواند براحتی از نزد او برود.

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

حرف ندا، قراین معنایی، قید، تغییر آهنگ و قراین معنایی و حرف موصول.

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

نظام نوبت گیری در دست راوی/قهرمان است ، او کنترل موضوع را به دست گرفته و با اطمینان از تصمیمی که گرفته و اظهار نیاز در پیشگاه الهه(قدرتمند است) صحبت می‌کند.(قهرمان اودیسه از همه شجاع تر و دلاورتر نیست).

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

در بند بالا، با توجه به توصیفات آمده تصمیم اولیس برای بازگشت به میهن فهمیده می‌شود.

بند شماره (۲)

(نمونه‌ای از گفتگوی درونی قهرمان) آنگاه اولیس دریافت که دلش و زانوهایش سست می‌شوند. ناله کنان با دل جوانمرد خویش گفت:

« آه! من چه بدبختم! سرانجام، چه بسرم خواهد آمد؟ می‌ترسم آنچه کالیپسو پیش‌بینی می‌کرد که در روی دریا پیش از رسیدن به سرزمین زادگاهم، همه رنج‌ها را خواهم کشید راست باشد. اینک، همه چیز سرانجام می‌یابد. زئومن با چه ابرهای تاری آسمان پهناور فرا گرفته است! دریا را زیر و زبر کرده، و توفانی از هر گونه باد بر سر من فرود میآید. اینک، مرگ ناگهانی من ناگزیر شده است. مردم دانایی که بیش از این در تروآ پهناور برای پسند دل آزادگان آتره نابود شدند سه چهار بار از من نیک‌بخت‌تر بودند! روزی که مردم تروا دسته‌دسته زوبین‌های رویین خود را بر من می‌انداختند، هنگامی که در کنار پسر پله که مرده بود می‌جنگیدم چرا من هم نمردم و سرنوشت خود را به پایان نرسانیدم! آنگاه پس از مرگ سرافراز می‌شدم و مردم آخایی سرافرازی مرا یاد می‌کردند، امروز سرانجام من اینست که گرفتار مرگ تیره بختان شوم!» (هومر، ۱۳۷۸:سرود پنجم/۱۱۹)

۱-آه! ۲- من چه بدبختم! ۳- چه بسرم خواهد آمد؟ ٤- می‌ترسم /آنچه کالیپسو پیش‌بینی می‌کرد/ که در روی دریا پیش از رسیدن به سرزمین زادگاهم، همه رنج‌ها

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

را خواهم کشید/ راست باشد ٥- اینک، همه چیز سرانجام می‌یابد. ٦- زئومن با چه ابرهای تاری آسمان پهناور فرا گرفته است! ٧- دریا را زیر و زبر کرده ٨-و توفانی از هر گونه باد بر سر من فرود میآید ٩- اینک، مرگ ناگهانی من ناگزیر شده است. ١٠- مردم دانایی که بیش از این در تروآ پهناور برای پسند دل زادگان آتره نابود شدند/ سه چهار بار از من نیک‌بخت‌تر بودند! ١١- روزی که مردم تروا دسته‌دسته زوبین‌های رویین خود را بر من می‌انداختند ١٢- هنگامی که در کنار پسر پله که مرده بود / می‌جنگیدم ١٣- چرا من هم نمردم ١٤- سرنوشت خود را به پایان نرسانیدم ١٥- آنگاه پس از مرگ سرافراز می‌شدم ١٦- مردم آخایی سرافرازی مرا یاد می‌کردند ١٧- امروز سرانجام من اینست / که گرفتار مرگ تیره بختان شوم!»

پرسش ١: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

آه، بدبختی، ترس، پیش‌بینی، رنج کشیدن، سرانجام، ابرهای تاری، زیر و زبر، توفان، مرگ ناگهانی، نابود، زوبین‌های رویین انداختن، مرده، جنگیدن، نمردن، مرگ تیره بختان و ...واژگانی با ارزش‌های انتزاعی در این متن اند که بیانگر نوعی تردید و وحشت، بازگشت و سرانجام تردید و دودلی قهرمان را نشان می‌دهد. دغدغه‌های دلاورانه (حماسی) در آن دیده می‌شود. این دغدغه‌ها با گفتگوی درونی صورت گرفته است و غیر از قهرمان کسی از آن آگاه نیست، زیرا قهرمان حماسه بدون تردید و با صلابت است و از دودلی‌ها و آشفتگی‌های او اندک افرادی آگاه خواهند شد .

پرسش٢-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن دراین متن، بر اساس گزارش قهرمان به صورت حدیث نفس است .سبک گفتار پر از شک و تردید، ترس و نگرانی است که اندکی امید نشان می‌دهد. مرگ تیره بختان یعنی مرگی که در میدان نبرد نباشد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

توفان فرو آمدن کنایه از نزول حوادث بد است. سه چهار بار: کنایه از بسیاری و فزونی.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

ابرهای تار: استعاره از حوادث ناگوار

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

۴ جمله(۱۲/۳/۲/۱ ۱٤/۳) در وجه انشایی و۱۲ جمله(۱۷/۱٦/۱۵/۱۱/۱۰/۹/۸/۷/٦/۵/٤) در وجه خبری‌اند. راوی در وجه خبری به گذشته باز می‌گردد و شکست روایت ایجاد می‌شود و در وجه انشایی آمال، آرزوها و حسرت قهرمان بازنمایانده می‌شود. بند مورد نظر دارای ۱۳جمله ساده و ٤ جمله مرکب (با علامت / نشان داده شده) است.جملات مرکب با حروف شرط و ربط به یکدیگر مربوط شده اند.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

بیشتر جملات این متن، دارای وجه خبری است و گزارش راوی درباره آمال و آرزهای قهرمان است که البته آرزوهای او نیز در راستای میهن و خدمت است، اما از آن‌جا که بیان می‌شود تا حدودی رنگ و بوی فردانیت می‌گیرد و از حالت محض دیگرخواهی و جمعی نگری خارج می‌شود .

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

عباراتی که وجه خبری دارند، اطلاعاتی به مخاطب می‌دهند. جملات انشایی برای تسکین حسرت و غم و ناراحتی قهرمان بیان شده است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

از طریق روابط معنوی و نیز پایان‌یافتن آهنگ میان جمله‌های ساده و نیز قیود زمان و پرسشی پیوند و اتصال ایجاد شده است.

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

نظام نوبت گیری در دست قهرمان نیست ، بلکه عواطف اوست که به جوش آمده و زمام سخن را به دست گرفته است.

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به ماجرای آمال قهرمان داستان که آیا سرنوشت شرافتمندانه ای خواهد داشت و یا در راحتی و کام که ننگ دلاوران است، می‌میرد.

بند شماره (۳)

اولیس نمونه تاب وتوان ازدیدار وی شاد شد و همان دم به تلماک پسر گرامی خود گفت:

«ای تلماک، اکنون این را به یاد داشته باش: چون به هنگامه رسیدی که در آن‌جا دلاوران ارزش خود را نشان می‌دهند، خودداری کن از آنکه نژاد پدرانت را ننگین کنی، زیرا که تا امروز در زورمندی و دلاوری ما در همه جهان انگشت نماییم.» (هومر، ۱۳۷۸، سرود بیست و چهارم/ ۵۵۵)

۱-ای تلماک ۲-اکنون این را به یاد داشته باش / ۳- چون به هنگامه رسیدی / که در آن‌جا دلاوران ارزش خود را نشان می‌دهند /خودداری کن/ از آنکه نژاد پدرانت را ننگین کنی ٤- زیرا که تا امروز در زورمندی و دلاوری ما در همه جهان انگشت نماییم.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

یادداشتن، هنگامه،دلاوران،زورمندی، انگشت نمایی واژگانی با ارزش‌های انتزاعی در این متن اند که بیانگر نوعی تفاخر و مباهات، رزم طلبی و شجاعت گوینده است. (قهرمان فراتر از دیگران است و شرافت و شجاعت زیادی دارد.)

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن در این متن، بر اساس گزارش قهرمان است .سبک گفتار تفاخرانه، زنهاردهنده و اندکی با چاشنی نگرانی ،مبادا فرزند راه پدر را نرود، همراه است.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

انگشت‌نما بودن کنایه از شهرت و نامداری است.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

در این متن ما شاهد به‌کارگیری نوع خاص و قابل ملاحظه‌ای از انواع استعاره‌های معمول و متداول در علم بیان نیستیم.

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

همه جملات به غیر از جمله ٤ انشایی‌اند که گوینده/قهرمان بر اساس جملات انشایی نصیحت هایی را در قالب جملات احساسی و انگیزشی به فرزندش می‌گوید. جملات ۱، ۲ و ٤ ساده و جمله ۳ مرکب است.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

بیشتر جملات این متن، دارای وجه انشایی اند و گزارش قهرمان/گوینده درباره اندرزدادن و نصیحت کردن به فرزند است.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

جمله‌ای که وجه خبری دارند، اطلاعاتی که بیشتر جنبه تأکیدی دارد تا خبر رسانی، به مخاطب می‌دهد.عبارات انشایی برای اندرزدادن و تأکید بر اخلاق مداری به کار رفته است.

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

جملات ساده به کمک آهنگ کلام در جمله ندایی و قیود امروز، چون، و حرف موصول که و زیرا به هم مربوطند.

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

نظام نوبت گیری در دست قهرمان/ گوینده است ، او کنترل موضوع را به دست گرفته و از روی تجربه ودلسوزی پدرانه از افتخارات نیاکانشان صحبت می‌کند (دلسوزی در حماسه با تفاخر همراه است).

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به کلیت ماجرایی که در پایان آن قرار دارد. شخصیت اصلی ،اولیس، سرانجام بر همه این حوادث غالب می‌آید و سالم به وطن خود برمی‌گردد و آنگاه سرزمین خود و همسرش ،پنلوب، و پسرش تلماک را از دست تجاوزگران نجات می‌دهد.

۵-۱-۳-شاهنامه

بند شماره (۱)

به بیان قسمت‌هایی از مناظره و گفت و گوی رستم با سپاه ایران در داستان کاموس کشانی می‌پردازیم:

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

بنالیـــداز آن پـــس بـــه درد ســـپاه چو آگه شـد از کـار آوردگـاه
بســـی پنـــدها داد و گفـــت«ای ســـران به پیش آمد امروز رزمی گران
چنـــین اســـت آغـــاز و فرجـــام جنـــگ یکی تاج یابـد یکـی گـور تنـگ

(فردوسی، ۱۳۷۳: ٤و٥/ ۱۸٦-۱۸۷)

۱- ای سران ۲- امروز رزمی گران به پیش آمد ۳-چنین است آغاز و فرجام کار ٤- یکی تاج یابد ٥-یکی گور یابد.

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

گفتن و بیان از فرجام کارها، واژگانی با ارزش‌های انتزاعی در این متن اند که بیانگر نوعی دلسوزی و ترحم و خردمندی گوینده است. (قهرمان فراتر از دیگران است و همه زیر دست اویند.)

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن در این متن، بر اساس گزارش قهرمان است .سبک گفتار مشفقانه، زنهاردهنده و خردمندانه است.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

آغاز/ فرجام: تقابل، تاج / گورتنگ : تقابل . اغراق در تقابل دوم با آوردن صفت تنگ برای گور شدت بیشتری می‌یابد. و مصراع پایانی دو کنایه دارد که تاج یافتن کنایه از به سروری رسیدن و گورتنگ یافتن کنایه از نابود شدن است.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

تاج: استعاره از شاهی و گور استعاره (مجاز لازمیت) از مرگ است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

همه جملات غیر ازجمله ۱ اخباری‌اند که راوی بر اساس جملات اخباری نصیحت‌هایی را در قالب جملات خردورزانه به مخاطبان (سپاه) می‌دهد . و در قالب جمله انشایی (ندا) مخاطبان را مورد ندا قرار می‌دهد که خود از لوازم انذار است. بند مورد نظر جملات ساده دارد.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

بیشتر جملات این متن، دارای وجه خبری اند و گزارش راوی درباره حادثه‌ای است و تسلی دادن سپاهیان است.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

عباراتی که وجه خبری دارند، اطلاعاتی به مخاطب می‌دهند. جمله انشایی برای بیدار کردن و تخاطب به کار رفته است.

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

جملات ساده به کمک قید (امروز)، و یا اتمام ضرب‌آهنگ (در پایان بیت‌ها) و به قراین معنایی به هم مربوطند. .**پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟**

نظام نوبت گیری در دست راوی/ گوینده است ، او کنترل موضوع را به دست گرفته و با قدرت، اندکی غم و دلاورانه و خردورزانه صحبت می‌کند.

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به کلیت ماجرایی که در برابر میهن قهرمان صورت گرفته است و این بار، سپاه دشمن به مبارزه با سپاه قهرمان آمده و پهلوانان او را شکست داده است. اینک، نوبت قهرمان است که دلاوری و شجاعت بی مانند خود را نشان دهد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

بند شماره (۲)

اسفندیار پدر رستم را به دلیل رنگ رخسار، پرورش دهنده او ،سیمرغ، و پنهان نمودنش از سام را مورد عیب جویی قرار می‌دهد، رستم این گونه پاسخ گوید:

بدو گفت رستم که «آرام گیر	چه گویی سخن‌های نا دلپذیر
دلت پیش کژی بپالد همی	روانت ز دیوان ببالد همی
تو آن گوی کز پادشاهان سزاست	نگوید سخن پادشا جز که راست
جهاندار داند که دستان سام	بزرگست و با دانش و نیک‌نام
همان سام پور نریمان بدست	نریمان گرد از کریمان بدست

(فردوسی، ۱۳۷۳: ج٦و٧: ۲۵۷)

۱-آرام گیر ۲- چه گویی سخن‌های نا دلپذیر؟ ۳-دلت پیش کژی بپالد همی ٤- روانت ز دیوان ببالد همی ٥-تو آن گوی کز پادشاهان سزاست ٦-نگوید سخن پادشا جز که راست ۷-جهاندار داند / ۸ که دستان سام بزرگست و با دانش و نیکنام ۹-همان سام نریمان بده‌ست ۱۰-نریمان گرد از کریمان بده‌ست .

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

در این متن واژگانی چون ارام و کژی، نادلپذیر، دل و روان، گوی، پادشانهان، سزاواری، سخن، راست، جهاندار، بزرگست، کریمان، سام و نریمان از ارزش‌های والایی برخوردارند. و ما به‌گونه‌ای شاهد ارتباط و تناسب عرفی و ادبی این واژگان در قالب نوعی مراعات نظیر از نوع عرف و رسوم پادشاهی و بنوّت هستیم که با روزگار پردازش داستان، همخوانی دارد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

جملات و عبارات این متن که رستم به نوعی راوی آن است که درباره دیگر شخصیت داستان یعنی زال بیان می‌گردد، حکایت از نوعی نگاه شکوه آمیز و پرجلال برخوردار است. گوینده مخاطب را زنهار می‌دهد و دوده پادشاهی مخاطب و نیاکان پرآبروی خود را مورد توجه قرار می‌دهد.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

در این پاراگراف ما شاهد نوعی کنایه از نوع تعریض در جمله دوم هستیم؛(از تو بعیده چنین سخنانی) جملات ٥، ٦، ٧ همچنین از این گونه‌اند، در جمله سه و چهار کنایه از اهریمنی شدن و سخن اهریمنانه مخاطب (اسفندیار)دارد. جمله ١٠ کنایه از فزونی نامداری و شهرت سام است.

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

در این متن ما شاهد بکارگیری نوع خاص و قابل ملاحظه‌ای از انواع استعاره‌های معمول و متداول در علم بیان نیستیم.

پرسش ٥-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

در این بند شاهد انبوهی از جمله‌های ساده، هستیم. ٦جمله (١٠/٦/٥/٤/٣/٢/١) ساده است . جملات ٧ و٨ جمله مرکبی را در ژرف ساخت ایجاد کرده‌اند، ازاین رو که جمله ٨ مفعول جمله ٧ است و با علامت / نشان داده شده‌است و می‌توان آن را جمله واحدی دانست. جملات ٨ و٩ هم با قید همچنین جمله مرکبی را ایجاد کرده است. جملات ٥/٢/١/ جملات انشایی اند که در وجه امری (٥/١) و پرسشی (٢) مطرح شده اند. باقی جملات خبری اند. جملات در شکل خبری حکایت از تلاش رستم به عنوان شخصیت اصلی و قهرمان بلامنازع شاهنامه دارد. نوع روایت راوی /گوینده حکایت

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

از نصیحت همراه با تحقیر است که این نکته، از کنایه‌ها و تعریض‌ها دانسته شده است.

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

وجه غالب در جمله‌های این متن از حماسه با به‌کارگیری جمله‌های خبری است که بالغ بر ٦ جمله است. وجه پرسشی به کار رفته در جمله نشانگر نوعی پرسش از روی تعجب است و می‌توان از آن این را فهمید که: چرا اینطوری می‌گویی؟ تو که آگاهی! و وجه اخباری به کار رفته در این بند، بیانگر یک گزارش توصیفی راوی / گوینده از وضعیت طرف توصیف یعنی اسفندیار و بیانگر نوعی تنبه همراه با تحقیر و طعن نسبت به اوست.

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

عباراتی که وجه خبری دارند، به مخاطب هشدار می‌دهد. جملات انشایی برای تحقیر مخاطب و ذکر تعجب گوینده بیان می‌شود .

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

از طریق روابط معنوی و نیز پایان‌یافتن آهنگ میان جمله‌های ساده و قید پرسشی «چرا»پیوند و اتصال ایجاد شده است.

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

نظام نوبت گیری در دست راوی/ گوینده است ، او کنترل موضوع را به دست گرفته و جانبدارانه (از آن نظر که از دوده خود دفاع می‌کند) و منصفانه (به نظر راوی گفته او عین حقیقت است . مخاطب فریب خورده و اهریمنی شده است.) سخن می‌گوید.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به کلیت ماجرایی که در برابر قهرمان داستان صورت گرفته است و این بار، قهرمان در برابر نیروهای خودی مورد آزار قرار می‌گیرد. شخصیتی که در نقش مخالف قهرمان است.

بند شماره (۳)

رستم در برابر سخنان شغاد فریب‌خورده از پادشاه کابل این گونه او را آرام می‌کند:

چو بشنید رستم برآشفت و گفت — که هرگز نماند سخن درنهفت

ازو نیز، مندیش وز لشکرش — که مه لشکرش باد و مه افسرش

من او را بد ین گفته بیجان کنم — بر و بر دل و روده پیچان کنم

ترا برنشانم بر تخت اوی — به خاک اندر آرم سر بخت اوی

(فردوسی، ۱۳۷۳/ج۷و۸: ۳۲۸

۱-هرگز سخن در نهفت نماند. ۲- از او مندیش . ۳- از لشکرش مندیش . ٤- مه لشکرش باد ٥- مه افسرش باد. ٦- او را بیجان کنم. ۷- پیچان کنم۸-ترا بر تخت او بنشانم۹-به خاک اندرآرم سر بخت اوی.

پرسش ۱: واژگان واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

تخت و خاک، آشفتگی، ترسیدن و اندیشیدن از، لشکر و افسر واژگانی با ارزش‌های انتزاعی در این متن اند که بیانگر نوعی ارعاب و چاره‌جویی برای آن و لشکر و افسر از لوازم پادشاهی است. قید هرگز، قدرت گوینده را باز می‌نمایاند. بدین گفته عبارتی است که نشان از ان دارد که سخنی مخالف و نسنجیده، رد و بدل شده که برای مخاطب و گوینده آشنا است و شخص دیگری گوینده آن است. ترا بر تخت او برنشانم نشان از قدرت گوینده بر قلب و تغییر موقعیت‌ها دارد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش۲-واژگان واجد کدام ارزش رابطه‌ای است؟

سخن در این متن، بر اساس گزارش قهرمان است .سبک گفتار مبالغه‌آمیز و تهدیدکننده و تفاخرآمیز است.

پرسش ۳-کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

تخت/خاک: تقابل معنوی، سخن پنهان نماندن: کنایه از افشا شدن، نه آفرین گویی در مصراع دوم بیت دوم دیده می‌شود، پیچان کردن: کنایه از کشتن و شکست‌دادن، بر تخت نشستن: کنایه از پادشاهی، به خاک آوردن: کنایه از بدبخت‌کردن .

پرسش ۴-از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟

تخت: استعاره از شاهی و خاک استعاره از بیچارگی،

پرسش ۵-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟

جملات (۹/۸/۷/٦/۱/) در وجه اخباری و باقی (٥/٤/۳/۲/) انشایی است که راوی بر اساس جملات اخباری اطلاعاتی را به مخاطب می‌دهد و بر اساس جملات انشایی عواطف خود را نسبت به شخص سومی که برای مخاطب (شغاد و خوانندگان) آشناست، بیان می‌کند. بند مورد نظر دارای جملات ساده (۹/۸/۷/٦/۳/۲/۱/) و یک جمله مرکب (٥/٤) که خود از دو جمله ساده که با واو عطف به هم پیوسته است، تشکیل شده است. جملات ساده به کمک حرف عطف، و یا اتمام ضرب‌آهنگ (در پایان بیت‌ها) و یا به قراین معنوی به هم مربوطند و جمله مرکب (که مه لشکرش باد) با موصول «که» باعث افزایش طول و حجم و محتوای معنایی جمله‌های ساده متن در این قسمت شده است که از نظر علم معانی حشو ملیح محسوب می‌گردد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

پرسش ۶-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای است؟

بیشتر جملات این متن، دارای وجه خبری اند و گزارش راوی درباره شخصیت شریرداستان (که فتنه‌انگیزی کرده و شغاد را بر برادر شورانده) است .

پرسش ۷-ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی است؟

عباراتی که وجه خبری دارند، اطلاعاتی به مخاطب می‌دهند. جملات انشایی برای تسکین عاطفه به جوش آمده مخاطب بیان می‌شود و احساس دلسوزی گوینده یا راوی در آن آشکار است.(دلسوزی قهرمان با صلابت همراه است.)

پرسش ۸-جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل می‌شوند؟

از طریق روابط معنوی و نیز پایان‌یافتن آهنگ میان جمله‌های ساده پیوند و اتصال ایجاد شده است.

پرسش ۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟

نظام نوبت گیری در دست راوی/ گوینده است ، او کنترل موضوع را به دست گرفته و با قدرت، صلابت صحبت می‌کند.

پرسش ۱۰-متن واجد چه نوع ساختمان‌های گسترده‌تری است؟

گستردگی متن مربوط است به کلیت ماجرایی که در برابر قهرمان داستان صورت گرفته است و این بار، شخصیتی در نقش شریر به اغوای شخصیت مخالف پرداخته و تراژدی مرگ قهرمان در حال رقم خوردن است.

۶-نتایج پژوهش

پژوهش حاضر بندهایی از گفتگوی قهرمانان در سه اثر نامدار حماسی «ایلیاد»، «اودیسه» و «شاهنامه» بر محور ده پرسش در چاچوپ نظریه فرکلاف مورد بررسی قرار داده است. آنچه در زیر آمده خلاصه‌ای از مباحث این ده پرسش است. فرکلاف

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

توصیف را در سطحی مقدماتی حول محور ده پرسش اصلی سازمان بندی کرده است که هفت پرسش نخست بر پایه ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی تنظیم شده‌اند که ویژگی‌های صوری متن ممکن است واجد آن‌ها باشند، یعنی واژگان و یا ساخت نحوی جملات به گونه‌ای بر ارزش‌های تجربی، رابطه ای و بیانی صحه می‌گذارد. ارزش‌هایی که به نوبه خود می‌توانند در وجوه صوری دارای بارمعنایی انتزاعی، کاربردی و یا کنشی باشند. پرسش هشتم ارزش‌های پیوندی را که به ایجاد انسجام درون متنی و برون متنی منجر می‌گردد، مورد سوال قرار می‌دهد. پرسش نهم نظام‌های تعاملی در گفتمان را بررسی می‌نماید و پرسش دهم مربوط به کل ساختار متن از لحاظ ترتیب عناصر در پیشبرد هدف نویسنده است. در اینجا، تلاش براین است که موارد بدست آمده از این ده سوال مورد بررسی قرار بگیرد.

از آن‌جا که سه اثر حماسی مذکور، در دو فرهنگ مختلف نوشته شده است و هر سه حماسه در زمان‌های دور شکل گرفته‌اند (منظور از زمان معنای اسطوره‌ای آن مطمح نظر است) و در قالب شخصیت‌های فراعادی است، لذا الفاظ و عبارات به کار گرفته شده متناسب با قشر خاص است. برای مثال:« خدایان خواستار شوند، به زانوان سوگند دادن، برتخت نشاندن، الهه توانا، زئوس و نام‌های دیگر خدایان حکایت از فرهنگ و ایدئولوژی خاصی دارد که در دنیای شکل‌گرفته حماسه موجود قابل قبول است . گونه زبان قهرمانانه و تبلور احساسات و عواطف پهلوانانه در سرتاسر این سه اثر پیچیده شده است. بیشتر ارزش‌های بیانی حول و حوش مرگ و ننگ است. برای مثال:«چشم به جهان نگشودن، خاک افکندن، ایستادگی و تحمل» لحن هر سه قهرمان تفاخرانه است.گویا، شاه‌کلید گفتمان غالب در حماسه در هر فرهنگی «زندگی و نام» است. با بررسی و دقت در فرم و ساختار محتوای گفت و گو انجام شده، بین قهرمانان شاهنامه چه در صحنه‌های نبرد و چه در صحنه‌های قبل و بعد از

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

آن و یا در هر صحنه دیگری به خوبی روشن می‌گردد که حاصل این گفتگوها در نهایت رسیدن به شایست‌هاست، رسیدن به تفاهم و تمایل به صلح و آرامش است نه ادامه جنگ و خونریزی‌های بی‌فایده و یا بی‌دلیل.

حماسه	خبری	امری	پرسشی	ندایی
ایلیاد	١٠	٤	١	٧
اودیسه	١٩	٣	٣	٢
شاهنامه	١٦	٦	١	١

بیشترین بند امری متعلق به جفت گفتمان‌های رستم است و بعد از آن ایلیاد و بعد اودیسه . فراوانی بندهای امری برای رستم تاثیر سلطه و قدرت است که در حماسه حسن محسوب می‌شود. تعداد بندهای خبری اودیسه بیشتر از دو حماسه دیگر و بعد از آن شاهنامه است که این مسئله به نقش اطلاع دهی حماسه اودیسه می‌پردازد و باتوجه به اینکه اودیسه شرح مبارزات قهرمان برای بازگشت به میهن است، این نکته قابل قبول است.استعاره‌ها نیز، در جهت گفتمان غالب است. قدرت، حوادث ناگوار، مرگ، تاج وشاهی از استعاره‌های پرکاربرد در قلمرو پژوهش حاضر است.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که در این سه حماسه کنش‌های هر یک از شخصیت‌های اصلی تا حدودی مشخص شده است. در این میان، هر سه قهرمان اغلب دارای کنش‌های فاعلی، تأثیرگذارند. شواهد نشان‌دهنده این نکته است که میزان کنش‌های شخصیت رستم و بعد از آن هکتور و بعد اولیس قرار دارد. رستم از قهرمانان دوحماسه دیگر در این متن برگزیده بسیار فعالتر و تاثیر گذارتر است، بنابراین به نظر می‌رسد هر دو شاعر در به چالش کشیدن گفتمان غالب ،قهرمانانه،

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

حاکم بر حماسه موفق بوده‌اند. همان طور که از تحلیل داده‌ها مشخص شد فضای قهرمانانه و حادثه‌پردازانه در بسیاری از جملات سه اثر مشهود است، بنابراین هر دو شاعر سعی در غلبه گفتمان قهرمانانه دارند، براین اساس در این عرصه نیز، موفق و بنا به دلایلی که آمد، فردوسی در خلق حماسه خود از هومر موفق تر است. شخصیت‌های اصلی تصویری از خود بازنموده‌اند و نیز، با گفتگوهایی که نمودند، دنیای اطراف خود را بازنمایی می‌کنند. در این سه حماسه، قهرمانان به عنوان نمونه به کنش میهن پرستی، دینداری، اخلاق‌مداری بیشتر اثرپذیری نشان داده‌اند. خواست قهرمان عمومی است و تا حدودی نقش فردانیت در اودیسه بازنمایی می‌شود. رشادت، دلاوری، رزم و جنگاوری کنش غالب سه اثر مذکور است. رویدادها عناصر برجسته حماسه وحق‌ورزی عنصر برجسته در ذهن شخصیت‌های اصلی سه حماسه مذکور است. در ایلیاد میهن پرستی، در شاهنامه میهن پرستی به همراه اخلاق مداری بیشترین نمودها را در گفتگوهای قهرمانان داشتند. رستم قهرمان بلامنازع است. کمتر احساس شکست یا یاس و تردید می‌کند و بیشتر آمر است و چیزدان. در مقابل، این عنصر در اولیس کمتر نمود دارد و حد واسط آن دو، هکتور است. گویا حق رستم است و باطل در روبروی اوست ،هر کس که باشد. این احساس زمانی قوت می‌گیرد که نیاش‌های پهلوان ،رستم، در درون و یا در پیشگاه نزدیکان است، اما در دو حماسه دیگر، سخن از ماورا و کمک خواستن از آنها در مقابل جمع است. قهرمانان آن دو حماسه یونانی با تردید و شک همراهند، اما رستم باصلابت و مطمئن است با توجه به تعداد بندهای امری که نشان دهندهٔ قدرت گوینده است، می‌توان دریافت که از دیدگاه شاعر تا چه حد قهرمانش دارای قدرت است.

در حماسه حوادث هستند که هدایتگر راوی اند. گفتگوها در فرع ماجرا به پیش‌بردن پیرنگ کمک می‌کند. میهن پرستی و عقلانیت در شاهنامه نمود بیشتری

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

دارد. بیان قهرمانانه به عنوان وجه غالب گفتمان آن‌ها لقب می‌گیرد. هر چه صلابت قهرمان بیشتر نشان داده شود در مقابل، ضعف وسستی دیگران بیشتر مشهود می-شود. درواقع، رستم در تقابل با دیگران، قدرت در برابر ضعف است در دو حماسه قبلی نیز، این گونه هست، منتها بیان مردّدانه قهرمانان اندکی این مسئله را ضعیف می‌کند. هر سه قهرمان به دوده پرافتخار خود می‌بالند.

پی‌نوشت:

1. Welt Literrature
2. liad
3. Odysseus
4. Ineiid
5. virgil
6. N iblongen
7. *Fairclough*
8. *Discours analysis*
9. *Zelling Harris*
10. *Critical Discourse Analysis (CDA)*
11. *MacDonnell*
12. *Hero - Heroine*
13. *Abrams*
14. *Cudden*.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

منابع

- آقا گل زاده، فردوس،(۱۳۸۵)،***تحلیل گفتمان انتقادی***،تهران: شرکت انتشارات علمی **و فرهنگی**.
- ارسطو، (۱۳۵۲). **فن شعر**، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: امیرکبیر.
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱). ***درباره دیالوگ***، تدوین: لی نیکول: ترجمه: محمدعلی حسین‌نژاد، تهران: نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- بویس، مری (۱۳۸٦). ***بررسی ادبیات مانوی***، ترجمه: امید بهبهانی و ابوالحسن تهامی: تهران: نشر بندهش، چاپ دوم.
- خالقی‌مطلق، جلال(۱۳۸٦). **حماسه، پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی**، تهران: انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- پنی‌کوک،الستر(۱۳۷۸). ***گفتمان‌های قیاس ناپذیر***،ترجمه: سید علی اصغر سلطانی، فصلنامه علمی –پژوهشی، شماره ٤، صص: ۱۲۳-۱۳۹.
- داد، سیما.(۱۳۷۱)، ***فرهنگ اصطلاحات ادبی***، تهران: مروارید، چاپ اول.
- روح‌الأمینی، محمود (۱۳۷٦). ***نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی***. تهران: نشر آگاه، چاپ دوم.
- رزمجو، حسین(۱۳٦۱)،***انسان آرمانی در حماسه‌های اساطیری و پهلوانی فارسی*** . مجله جستارهای ادبی، شماره ٦۰، صص: ٦۱۳-٦۵۲.
- _____ (۱۳۹۰). ***انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی***. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلطانی، سید علی‌اصغر، (۱۳۸٤)، ***قدرت گفتمان و زبان***. تهران: نشر نی.
- شرکت مقدم، صدیقه(۱۳۸۸).«***تطبیقی مکتب‌های ادبیات***»،مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۲، صص: ۵۱-۷۲.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰). ***انواع ادبی***. تهران: باغ آیینه، چاپ اول.
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷٤). ***ادبیات تطبیقی***، ترجمه: سید مرتضی آیت‌اله زاده شیرازی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]

- فردوسی، ابوالقاسم (١٣٧٣). ***شاهنامه***. جلد ٥، ٤، ٦ و٧ چاپ مسکو به کوشش: دکتر سعید حمیدیان: تهران: قطره.
- فرکلاف، نورمن،(١٣٧٩)،***تحلیل انتقادی گفتمان***،ترجمه: شعبان‌علی بهرام‌پور، تهران» مرکز رسانه ها.
- کزازی،میر جـلال الدیـن.(١٣٧٦).***رؤیا،حماسه،اسطوره***،چاپ دوم،تهران:مرکز.
- مک دانل، دایان،(١٣٨٠)،***مقدمه ای بر تحلیل گفتمان***،ترجمه: حسین‌علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- میرصادقی، جمال.(١٣٧٧). ***ادبیات داستانی***، تهران: انتشارات شفا.
- ولک/ وارن، رنه/ آوستن(١٣٧٣). ***نظریه ادبیات***، ترجمه ضیاءموحد/ پرویز اتابک، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
- هـرودوت (١٣٥٦). ***تـاریخ هرودوسـا***، ترجمـه: وحیـد مازنـدرانی، تهـران: انتشـارات فرهنگستان ادب و هنر ایران. چاپ اول.
- هومر. (١٣٧٨) . ***ایلیاد***، ترجمه: سعید نفیسـی، تهـران: انتشـارات علمـی و فرهنگـی، چـاپ دوازدهم.
- هومر (١٣٧٨).***اُدیسه***، ترجمـه سـعید نفیسـی، تهـران: انتشـارات علمـی و فرهنگـی، چـاپ دوازدهم.
- یوست، فرانسوا(١٣٨٦). **چشم انداز تاریخی ادبیات تطبیقی**، ترجمه علیر ضا انوشیروانی، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ٣، صص: ٣٧- ٦٠.
- _____،(١٣٨٧). ***مفهوم ادبیات جهان***،فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت. س ٢،ش ٥.

- ***Fairclough, N. (1995).Critical Discourse Analysis. Singapore***.
- **j.A. Cudden.(1380), A Dictionsry of Literary Terms, Tehran, Rahnama.**
- ***M. H. Abrams.(1971), A Glossary of Literary Terms, Holt Rine Hard Winston, Third Edition.***

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2025-04-08]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.2.5.4]